عوامل «بچه‌مهندس۴» به فرودگاه رسیدند

به گزارش مهر، سریال‌های رمضانی این روزها همچنان در حال تصویربرداری است تا آخرین قسمت‌ها برای پایان کار آماده شود.
ازجمله این سریال‌ها بچه‌مهندس ۴ به کارگردانی احمد کاوری و تهیه‌کنندگی سعید سعدی است که این روزها همچنان در حال تصویربرداری است و دیروز ۲۹ فروردین به فرودگاه رسید.
سریال بچه‌مهندس تاکنون در دو سه سال اخیر در سه فصل پخش شده است و امسال از ابتدای ماه‌رمضان فصل چهارم آن نیز روی آنتن شبکه دو سیما رفت.
سه فصل گذشته این سریال با کارگردانی علی غفاری پخش شد و در فصل چهارم جای خود را به احمد کاوری داد. این فصل یک تغییر مهم دیگر هم داشت و آن هم جایگزینی محمدرضا رهبری، بازیگر نقش اول یعنی جواد جوادی به‌جای روزبه حصاری بود.

فرزاد خوشدست کارگردان مجموعه «حق حبس» در نمایی از این اثر

روایت «حق حبس» از نجات آدم‌ها

مستند تازه نفس شبکه مستند سراغ محکومان جرایم نقدی رفته است

فاطمه شهدوست
رسانه

قصه‌ها، آن هم اگر واقعی باشند، قدرت زیادی برای زدن حرف‌هایی دارند که نمی‌شود راحت سراغ‌شان رفت. ماجرای قصه‌های واقعی یا همان مستندها هم مدت‌هاست که شبکه‌ای مجزا برای خودشان دارند و روایت‌های تازه‌ای را تعریف می‌کنند. داستان‌هایی که برخی از آنها حتی جان انسان‌ها را هم نجات داده‌اند. «حق حبس» عنوان یکی از این مجموعه‌هاست که به زودی در ۵ قسمت ۳۰ دقیقه‌ای قرار است به کارگردانی فرزاد خوشدست روی آنتن شبکه مستند برود.
همان طور که از اسم این مجموعه شاید حدس بزنید، در این کار خوشدست سراغ افرادی رفته که به دلیل عدم توانایی پرداخت جرایم مالی در زندان هستند. البته این جرایم تنها به مهریه و کلاهبرداری معطوف نمی‌شود و دایره‌ای از جزاهای مادی از دیه گرفته تا موارد مختلف دیگر را هم شامل می‌شود.
خوشدست که سال‌هاست در این فضا کار کرده، خاطرات جالب توجهی از تاثیر این قصه‌ها روی نجات آدم‌ها از مرگ یا آزادی بعد از سال‌ها دارد؛ ماجراهایی که بهانه‌ای شد تا با او گپ وگفتی داشته باشیم که در ادامه می‌توانید سری به آن بزنید.

شروع ماجرا

خوشدست درباره شکل‌گیری مجموعه حق حبس بیان کرد: از آنجا که من از حدود ۹ سال قبل من در فضاهای مختلف مثل زندان و بازداشتگاه‌ها آثاری را در این باره ساخته و چنین جریانی را در تعامل با مجرمان مختلف تجربه کرده‌ام، مدیر سابق شبکه مستند، آقای سلیم غفوری که در جریان کارهای قبلی‌ام بودند، به من پیشنهاد دادند که این بار سراغ آدم‌هایی برویم که به خاطر عدم توانایی پرداخت رقمی در زندان هستند. اینها صرفا جرایم مالی مثل کلاهبرداری و... نیستند بلکه خیلی از آنها افرادی هستند که برای بخشودگی جرم‌شان دادگاه یا شاکی محکوم به پرداخت دیه و مبالغی برای آزادشدنشان کرده است. حتی در بین آنها کسانی هستند که به دلیل مهریه در زندان هستند و با چند سکه می‌توانند آزاد شوند. مواردی هم وجود داشت که مجرم قتلی را مرتکب شده و شاکی بعد از پیگیری‌های زیاد راضی شده بود تا با پرداخت دیه رضایت دهد، البته بعضا این قتل‌ها غیرعمد یا تصادف و سانحه هستند.

بیایید زندانی آزاد کنیم

تلاش برای فرهنگ‌سازی هم موضوع دیگری است که این کارگردان با اشاره به آن گفت: در زندان‌های کشور در حال حاضر جمعیت زیادی به دلایل مادی گرفتار هستند و بخش عمده‌ای از این افراد می‌توانند با کمک خیرین، سازمان‌ها و ارگان‌هایی مثل ستاد دیه و موسسات خیریه که تعدادشان هم زیاد است، آزاد شوند. اما بخش عمده کاری که باید برای این معضلی که هست انجام شود، فرهنگسازی است. یعنی ما می‌توانیم با فرهنگسازی در این مسیر جریان‌سازی کنیم. مثلا الان در حال نزدیک‌شدن به عید فطر هستیم و مردم می‌توانند خمس و زکات و فطریه‌شان را به افرادی که محتاج هستند اختصاص دهند. ما افرادی را داریم که بیش از یک دهه به دلیل مبالغی که شاید امروز رقمی نیست در زندان‌ها هستند. باید به اینها کمک شود.
او افزود: زمانی که آقای غفوری با من این صحبت را کردند، فکر کردم اتفاق خوبی است. من مدام در زندان‌ها افراد مختلف را می‌بینم و مستند می‌سازم؛ حالا اگر بتوانم کاری کنم که پخش شدن آن باعث انگیزه‌ای برای عده‌ای شود تا تعدادی زندانی را با پولی که دارند آزاد کنند، چقدر خوب است. حق حبس در حقیقت به این موضوع می‌پردازد و در تلاش برای فرهنگسازی درباره این معضل غم‌انگیز است.

قصه‌ای با حضور یک مددکار

در حق حبس، علاوه بر انعکاس ماجرای هر کدام از زندانی‌ها مددکاری حضور دارد که با آنها همراه می‌شود. انتخاب این مددکار و اتفاقاتی که رقم می‌زند هم موضوع دیگری است که او درباره‌اش گفت: کاراکتر اصلی این مجموعه یک مددکار به اسم حسین شیخ است که سال‌هاست در این زمینه فعالیت می‌کند. مددکار علاوه بر آن‌که مثل یک وکیل خیرخواه جریان را پیگیری می‌کند، مانند روانکاو هم با مجرم حرف می‌زند و سعی می‌کند او را آرام کند. حسین شیخ هم مدت‌هاست که نه فقط با کسانی که در زندان هستند، حتی با کمپ‌های اعتیاد و افراد مختلف کار می‌کند و سعی‌اش این بوده تا در حد توانش زندگی‌شان را تغییر دهد. او مؤسسه خیریه‌ای دارد تا کمک کند این افراد ادامه تحصیل دهند، شغل مناسب داشته باشند و انگیزه‌های بهتری برای زندگی پیدا کنند. همه این تلاش‌ها در واقعیت عمل او وجود دارد و بدون ادا و شعارزدگی با ماهیت واقعی در این مسیر پیش می‌رود. از همین رو فکر کردم که او مناسب‌ترین فرد برای این مستند است. زمانی که حسین وارد کار و راوی ماجرا شد، حتی بعد از ضبط هر قسمت و صحبت با کسی که جلوی دوربین می‌آمد، کارهای آنها را بعد از برنامه هم پیگیری می‌کرد. حتی چند سوژه بود که قبل از آن‌که ما وارد زندگی و بحران‌هایش شویم، حسین پیگیری و اطلاعات کسب کرده بود. در این مسیر ما سعی می‌کنیم تا علاوه بر سوژه خانواده‌اش را بشناسیم، ریشه‌یابی کنیم، خانواده شاکی را پیدا کنیم و از طرفی خیری که بتواند کمک کند را هم بیابیم. در ادامه هم حسین خیر را در مسیر می‌برد که همه ابعاد آن پرونده را بداند و بدون کم‌وکاستی به مساله نگاه کند. مثلا فرد معتادی بود که همسرش به دلیل مهریه او را به زندان انداخته بود اما می‌گفت می‌دانم اشتباه کردم ولی دلم برای دخترم تنگ شده است. مددکار هم همه این موارد و سوءپیشینه‌ای که او داشت را به خیر می‌گفت و در نهایت اضافه می‌کرد که ما نمی‌دانیم او با همه قول‌هایش اگر آزاد شود باز هم سراغ مواد می‌رود یا نه، اما مساله این است آن دختر الان پدر می‌خواهد و این‌گونه بود که حسین از زوایای مختلفی به هر موضوع نگاه و آن را بررسی می‌کرد.

دشواری‌های انعکاس حقیقت و جای خالی حمایت

در جریان ضبط و ثبت این قصه‌ها همیشه سختی‌هایی هم وجود دارد، موضوعی که خوشدست درباره تجربه‌ای که در این سال‌ها داشت، بیان کرد: همان‌طور که گفتم من حدود ۹ سال است که در این فضا کار می‌سازم و واقعا من فرزاد خوشدست خسته شدم. من برای فیلم «خط باریک قرمز» که ساختم از فرمانده نیروی انتظامی، معاونت فرهنگی قوه قضاییه، رئیس سازمان زندان‌ها و بسیاری از ارگان‌های دولتی به‌جز جوایز هنری که گرفتم، لوح تقدیر دریافت کردم اما واقعا که چه؟
شما از کنار یک زندان رد می‌شوید تن‌تان می‌لرزد و من بیشتر از شش فیلم و مجموعه در این فضا ساختم. همین الان ۱۶۰۰ دقیقه مجموعه آماده دارم که قرار است بعد از حق حبس پخش شود. این دقیقه‌ها همه روح و روان آدم را می‌گیرد و خسته می‌کند. من انتظار دارم حداقل بعد از این همه سال حمایت ملموسی باشد که من را تشویق کند و به جلو ببرد. او با اشاره به تاثیرگذاری این قصه‌ها و کارها افزود: فیلم خط باریک قرمز باعث شد تا یک نوجوان از اعدام نجات پیدا کند و شاکی وقتی فیلم را دید، آمد و رضایت داد. این چیز کمی نیست که تو کاری را بسازی که باعث شود جان یکی نجات پیدا کند یا چند نفر از زندان آزاد شوند. اینها شوخی و چیز کمی نیست. همه این موارد اتفاقاتی است که جامعه ما نیاز دارد. امید همین است، زمانی که شما به یک خانواده امید می‌دهید، این حس را به یک محله و اجتماع می‌دهید. وقتی پدر، فرزند و هر کدام از اعضای خانواده از زندان برمی‌گردد و از اعدام نجات پیدا می‌کند به‌واسطه یک اثر که تاثیرگذاری داشته، این یعنی امید. حال چرا از فیلمسازی که در حال تلاش است تا در سیاه‌ترین نقطه جامعه امید ایجاد کند و راه باز کند، حمایت نمی‌شود. این حمایت چیست؟ حمایتی که من می‌خواهم این است که تنها بگذارید بعد از این همه سال که کار می‌کنم، روند فیلمسازی‌ام پیوسته جلو برود و متوقف نشود.

> در زندان‌های کشور در حال حاضر جمعیت زیادی به دلایل مادی گرفتار هستند و بخش عمده‌ای از این افراد می‌توانند با کمک خیرین، سازمان‌ها و ارگان‌هایی مثل ستاد دیه و موسسات خیریه که تعدادشان هم زیاد است، آزاد شوند. اما بخش عمده کاری که باید برای این معضلی که هست انجام شود، فرهنگسازی است

عاشقانه وارد این فضا شدم

یکی از مشکلاتی که در کشور ما وجود دارد این است که وقتی مدیری تغییر می‌کند، همه چیز صفر می‌شود؛ یعنی مثلا وقتی آقای جهانگیر و دوستان دیگر در سازمان زندان‌ها ریاست داشتند و بعد تشکیلات تغییر می‌کند، فکر می‌کنند بنده از آشنایان این افراد بودم که در این چند سال آنجا فیلم ساختم اما نه بحث این است که فعالیت و فشار در این فضا زیاد است و خیلی وقت‌ها زمانی که وارد این قصه می‌شوند، ذهن‌شان قفل می‌شود. اما من دیگر می‌توانم کروکی هرکدام از زندان‌ها را بکشم و چرا باید بعد از تغییر مدیر، من را به چشم یک غریبه ببینند؟! در حالی که من با هیچ گروهی نبودم و تنها عاشقانه وارد این فضا شدم، خالصانه جلو رفتم و واقعا هم جواب گرفتم.

انگیزه ادامه و همراهی چندساله با آدم‌ها

خوشدست در پاسخ به این‌که چه مساله‌ای باعث شد تا او در این مسیر با وجود تلخی‌هایی که دیده همچنان کار بسازد و ادامه دهد، گفت: چیزی که باعث شد من ادامه دهم، افرادی بودند که دیدم چه انرژی‌ای از این کارها می‌گیرند و به من هم آن را می‌دهند. من اصلا آدم اهل شعاری نیستم اما واقعا خیر و برکت آن را در زندگی‌ام دیدم. این انرژی مثبت وجود دارد و من آن را احساس کردم. مثلا در قسمت پنجم حق حبس، مادر میلاد، پسری که قرار بود اعدام شود در زمانی که ما در بدترین وضعیت ممکن بودیم و امیدی نبود، زنگ زد و گفت من خواب میلاد را دیدم و حس کردم که او دارد به خانه برمی‌گردد. دو روز بعد از این جریان شاکی تماس گرفت و گفت من فیلم خط قرمز باریک را دیدم و می‌خواهم که میلاد بیرون بیاید. در واقع به‌واسطه این کار، آن پسر ۱۶ ساله در ۲۰ سالگی از زندان بیرون آمد و الان هم داماد شده است، با این اتفاق آن خانواده دوباره بلند شد. من مطمئن هستم که اگر میلاد اعدام می‌شد خواهر و برادر کوچکترش به مشکلات وحشتناکی گرفتار می‌شدند و آن مادر هم نابود می‌شد. حتی خانواده‌ای که اعدام می‌کرد هم دیگر حال خوبی را تجربه نمی‌کردند.

می‌توانیم تلویزیون را تکان دهیم

در آخر هم صحبت از قدرت این دست کارها شد؛ موضوعی که این کارگردان درخصوص آن بیان کرد: این اتفاق و نجات جان افراد به‌واسطه ساخت همین کارها در تلویزیون رخ داده است. ما هنوز می‌توانیم در تلویزیون کارهای بزرگ انجام دهیم و در سیمای جمهوری اسلامی تکان‌های بزرگ ایجاد کنیم. در این مسیر باید به فیلمسازان اعتماد کنیم و دست و بال‌شان را باز بگذاریم. تلویزیون فقط برای ادا درآوردن و ساخت کمدی نیست. من اعتقاد دارم که شادترین لحظات زندگی ما دقیقا جایی است که غم‌ها را از زندگی آدم‌ها برمی‌داریم. ما می‌توانیم شادی را عمیق‌تر و درست‌تر به‌وجود بیاوریم نه با کارهای لحظه‌ای که جز انتقاد چیزی به همراه ندارد. این خیلی ناجوانمردانه است که آدم‌ها را به شکل کاذب مشغول کنیم و فریب دهیم و بعد هم از آنها عبور کنیم.

خبر

«قاب خالی» در مرحله صداگذاری

تدوین فیلم تلویزیونی «قاب خالی» به کارگردانی حسین ابراهیمی دستگردی به‌تازگی به پایان رسیده است و صداگذاری را پشت سر می‌گذارد.
به گزارش از مشاور رسانه‌ای، فیلم تلویزیونی قاب خالی به کارگردانی حسین ابراهیمی دستگردی، نویسندگی مهرانه شاه‌منصوریان و تهیه‌کنندگی فردین جلیل سال ۹۹ در لردگان (یکی از شهرهای استان چهارمحال و بختیاری) تصویربرداری شد.

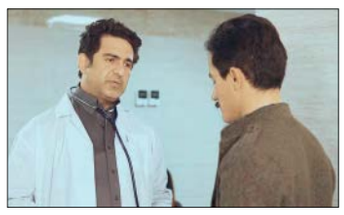

تدوین این فیلم تلویزیونی را فرید توللی به‌تازگی به پایان رسانده است. این روزها صداگذاری آن نیز توسط سیامک عمرانی انجام می‌شود. قاب خالی قرار است تا اوایل اردیبهشت ماه آماده نمایش شود.
در خلاصه داستان قاب خالی آمده است: سعید یک‌سال پس از طلاق از مونس با مارال ازدواج می‌کند. مارال خیاط است و با ارائه مدل‌های لباس قصد شرکت در جشنواره عفاف و حجاب را دارد. چندی بعد مونس از طلاق خود پشیمان می‌شود و این موضوع را به سعید می‌گوید. پسر سعید یعنی پرهام، مدام بهانه نبودن پدرش را می‌گیرد، در حالی که سعید از زندگی با مارال احساس خوشبختی می‌کند. زندگی سعید و مارال به‌خوبی پیش می‌رود تا این‌که...
مهدی امینی‌خواه، فردین جلیل، محمدعلی سلیمان تاش، ماریان کلهر، ناهید صیادی، راحیل خالدی، امیررضا رحیمی، فروزان شریفی، دینا جلیل، روحا... جلیل، سعید قنبری و... بازیگران این فیلم تلویزیونی هستند.
عوامل قاب خالی عبارتند از کارگردان: حسین ابراهیمی دستگردی، نویسنده: مهرانه شاه‌منصوریان، تهیه‌کننده: فردین جلیل، تصویربردار: میثم امینی، صدابردار: اسماعیل امینی، صداگذار و انتخاب موسیقی: سیامک عمرانی، طراح چهره‌پردازی: مرساد کمالی، طراح لباس: نیلوفر علوی.

پخش سریال‌های متنوع از شبکه‌های رادیویی

این روزها سه سریال متنوع از شبکه‌های رادیویی پخش می‌شود که مورد استقبال مخاطبان قرارگرفته است.
به گزارش روابط عمومی اداره کل هنرهای نمایشی رادیو، شیرینی پزون، زنهار از قرین بد و در امتداد انتها، عناوین سریال‌های رادیویی هستند که علاوه بر رادیو نمایش از شبکه‌های رادیویی سلامت، ایران و تهران نیز پخش می‌شوند.
نمایش رادیویی «شیرینی‌پزون» به کارگردانی میرطاهر مظلومی و نویسندگی بهناز امینی موسی‌آبادی، موضوعی خانوادگی–اجتماعی دارد و هرروز ساعت ۶و۱۵دقیقه از رادیو نمایش پخش می‌شود، این نمایش همچنین ساعت ۲۱و۴۵دقیقه روی آنتن رادیو سلامت می‌رود.
سریال رادیویی «زنهار از قرین بد» نیز هرروز ساعت ۲۲و۴۵دقیقه از رادیو نمایش پخش می‌شود و ساعت ۲۲و۳۰دقیقه روی آنتن رادیو ایران می‌رود. این نمایش روایتگر ماجرای ازدواج پردردسر سعدی شیرازی است که به نویسندگی اکبر خورد چشم و کارگردانی امیر زنده‌دلان در اداره کل هنرهای نمایشی رادیو تولیدشده است.
نمایش رادیویی «در امتداد انتها» به کارگردانی جواد پیشگر و نویسندگی روحا... نوری اتفاقاتی را که در جریان انتخاباتی در یک کارخانه رخ می‌دهد، روایت می‌کند، این نمایش هر شب ساعت یک بامداد از رادیو نمایش پخش می‌شود و ساعت ۱و۴۰ دقیقه روی آنتن رادیو تهران می‌رود. در این آثار رادیویی نویسندگان، کارگردانان، تهیه‌کنندگان، بازیگران، صدابرداران و افکتورهای حرفه‌ای اداره کل هنرهای نمایشی رادیو همکاری داشته‌اند.